

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۲ نومبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: "خ. معروفی"

دیوان

"عبدالله شهاب ثرشیزی هروی"

۲۰۵

مواد تاریخ

۸

در تعمیر مجدد بنای امامزاده حمزه

حریم کعبه دین بین، که اندر سطح ایوانش
حریمی کز ره عزت، مَطاف^۲ قدسیان آمد
به وصف این رواق این بس، که واقع گشته اندر وی
مه اوج هِدایت، حمزه ابن موسی کاظم
چو شد مدروس^۵، این بنیاد کیوان قدرِ گردون سا
دگر ره باعث تعمیر آن شد، آسمان قدری
جهان گسترده از چرخ مطبق^۱، فرش آستبرق
عجب نبود اگر خواند سپهرش، کعبه مطلق
مقام پاکِ فرزندِ امام هادی برحق
که چون اوصافش آید بر زبان گوید فلک: صدق^۴
ز فرط گردش دوران، ز سیر گنبد ازرق
که دست عدل و تمکینش کشد بر آسمان، بیرق

^۱ "مطبق": (بر وزن "مشوَش") کلمه عربی و در معنای "طبقه طبقه" یا "طبقه دار" - اسم مفعول از مصدر "تطبيق" (باب "تفعیل")، که در معنای "طبقه بندی کردن" است.

^۲ "آستبرق" معرب "استبرک"، که مراد از درختان کاوچوکی مناطق حاره است.

^۳ "مطاف": (بر وزن "مکان") کلمه عربی و در معنای "مکان طواف کردن" - اسم مکان عربی

^۴ "صدق": کلمه عربی و فعل ماضی مطلق صبیغه مفرد غائب از مصدر "تصدیق" و در معنای "کاملاً درست"

^۵ "مدروس": کلمه عربی و در معنای "فرسوده" و "کهنه" و "مدرس"

سپهر مَکرمِت، عبدالعلی خان، آنکه در وصفش
زبان گردد ز عَجز الکن^۶، قلم گردد ز بيمش شق
چو این تعمیر واقع شد "شهاب" از بهر تاریخش
بگفتا: یافت از نو، کعبهٔ اسلامیان،^۷ رونق^۸

^۶ "دگر ره": مخفف "دیگر راه" و در معنای "بار دیگر" - "راه" در معنای "بار" و "دفعه" نیز آمده است
^۷ "الکن": کلمهٔ عربی و در معنای "گنگ" و "گنگه" - صفت مشبیه از مادهٔ "الکنت"
^۸ ۱۲۰۱ هـ ق